

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و

غیر کلامی

سید عبدالرسول علم الهدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۵

چکیده: در این مقاله با پیوند میان آموزه‌های دین مبین اسلام در مورد عفاف با چارچوب علمی ارتباطات انسانی تلاش می‌شود به فهمی عمیق‌تر از وجود عفاف در همه مراتب ارتباطی انسان دست یافت، تا بتوان در مرحله اول مبنایی در جهت عمل هر مسلمان به این آموزه دینی پیشنهاد داد و در مرحله بعد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در موضوع عفاف را تسهیل کند. عفاف، ارتباطات انسانی به دور از شهوت جنسی در معنا و عمل، جز در حوزه زناشویی است؛ در این مقاله تلاش می‌شود تعریف‌هایی از عفاف در سطوح روابط درون فردی، میان‌فردی، گروهی و جمعی طبق آموزه‌های اسلام و با توجه به تقسیم‌بندی ارتباطات کلامی و غیرکلامی ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: عفاف، حجاب، اسلام، سطوح ارتباطات انسانی، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیر کلامی.

alam@isu.ac.ir

* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات

شماره تماس نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۹۳۷۰۰۳

مقدمه

خداوند حوا را در کنار آدم خلق کرد و زن و مرد را سبب کمال یکدیگر قرار داد، همچنین روابط جنسی و شهوت جنسی را برای امتداد نسل آفرید، بنابراین روابط زن و مرد و به خصوص روابط جنسی ایشان همیشه به عنوان یک نیاز در زندگی بشر مطرح بوده و جزء لاینفک زندگی انسانی است. از این حیث بشر به طور فطری ایجاد خانواده حول محور روابط زن و مرد را پذیرفته اما این امر فطری همیشه با مسائلی در زندگی شخصی و اجتماعی همراه بوده است، مسائلی همچون: آیا روابط جنسی، محدود به کانون خانواده است یا زن و مرد می‌توانند در عین داشتن خانواده با دیگری هم رابطه برقرار کنند؟ آیا روبرویی و مواجهه یک زن و مرد و دوستی ایشان تحت‌الشعاع جنس آنهاست یا کرامت انسانی ایشان مدنظر است؟

چنین مسائلی در همه جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد و هر مکتبی به‌نوعی پاسخی برای این مسائل ارائه می‌دهد. مارکسیسم با برداشتن قید مالکیت شخصی از زندگی انسان به محدودیت روابط جنسی در کانون خانواده پایان داده و روابط را کاملاً آزاد می‌کند (انگلس، ۱۳۸۵). همین‌طور مکتب‌های مادی‌گرایانه غربی که ریشه در دیدگاه‌های افرادی چون راسل و فروید دارد هرگونه قیدی در روابط جنسی را موجب اضطراب و التهاب در جامعه معرفی کرده که مانع پیشرفت و رسیدن به سود و لذت خواهد شد.^۱ در این میان دین اسلام که مدعی هدایت به سمت زندگی سعادت‌مندانه انسانی است، به چنین مسئله مهمی در زندگی بشر بی‌توجه نبوده و به ارائه راهکار و الگویی از روابط زن و مرد در جامعه دینی با عنوان عفاف می‌پردازد.

عفت و حیا که اساس روابط زن و مرد است یکی از مشخصه‌های جامعه دینی و اسلامی است. عفت به معنای خودداری از گناه و جلوگیری از سرکشی‌های شهوت جنسی است، البته می‌توان معنای عام عفت را خودداری از هرگونه گناهی دانست اما در لسان روایات بیشتر به پاکدامنی در رابطه میان مرد و زن اشاره شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۷۹-۸۰).

نوآوری این مقاله، بررسی آموزه‌های اسلام در موضوع عفاف با توجه به ویژگی‌های سطوح ارتباطات انسانی در دو حوزه کلامی و غیرکلامی است. در این مقاله ابتدا به مفهوم‌شناسی عفاف و مفاهیم مرتبط با آن در ارتباطات پرداخته، سپس چگونگی شکل‌گیری عفاف در سطوح ارتباطات انسانی، همچون: ارتباط درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی و ارتباط جمعی و بروز آن در ارتباطات کلامی و غیرکلامی بررسی خواهد شد. برای این کار از یک‌طرف باید کوشش نمود حداکثر ابعاد عفاف در آموزه‌های اسلام را مطالعه کرد و از طرف دیگر تعریف ارتباط و سطوح و ویژگی‌های آن را در علم ارتباطات بررسی کنیم تا بتوانیم با پیشنهاد تعریفی ارتباطی از عفاف قدم جدید و اندکی در جهت سامان بخشیدن به بحث‌های جنسیت و گرایش‌های جنسی به‌عنوان عوامل مؤثر در ارتباطات انسانی با توجه به آموزه‌های دینی برداریم. این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی برای نهادهای عفاف در جامعه باشد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- عفاف

عفاف با فتح عین از ریشه عفت است و راغب در مفردات عفت را چنین معنا می‌کند: «عفت پدید آمدن حالتی برای نفس است که به‌وسیله آن از افزون‌طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود. اسْتِعْفَافُ: طلب عَفْتٍ و پاکدامنی و باز ایستادن از حرام است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۷۳) همین مضمون در مجمع البحرین به امتناع ورزیدن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۰۱)، و در لسان‌العرب به خویشنداری از آنچه که حلال و زیبا نیست آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۹: ۲۵۳).

در ادب پارسی، عفاف از نظر گویش و معنا تا حدودی تفاوت یافته است. در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: «پارسایی و پرهیزگاری نهفتگی، پاکدامنی، خویشنداری» (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۰: ۳۳۲). در فرهنگ فارسی معین آمده است:

«عفاف عبارت است از: پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی، در تداول غالباً به کسر اول تلفظ می‌کنند. عفت: احتراز از محرّمات خصوصاً از شهوت حرام است» (معین، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۳۱) «عفت دارای مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن خویشنداری در برابر هر گونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن خویشنداری در برابر تمایلات بی‌بندوباری جنسی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۳).

در علم اخلاق، مرحوم ملا احمد نراقی در معراج السعاده می‌نویسد: «عفت عبارت است از: مطیع و منقاد شدن قوه شهوانیه از برای قوه عاقله که در اقدام به خوردن و نکاح، حدود اوامر الهی را به لحاظ کمی و کیفی، نگهدارد (نراقی، ۱۳۷۷: ۳۰۵). عفت همان اعتدال عقلی و شرعی است و افراط و تفریط در آن مذموم است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «اساس عقل، عفاف است و ثمره آن دوری از زشتی است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۷۵) و همچنین می‌فرماید: «انسان عقل‌مدار عقیف است» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۵۳)؛ زیرا منشأ هر دو حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است. این همان مفهومی است که هم در معنای عفت و هم در معنای عقل نهفته است. عقل به معنای کرامت نفس انسان هم به کار برده شده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۱۵۶-۱۵۸) که شاخصی در تفاوت انسان با دیگر موجودات است و امیرالمؤمنین (ع) توجه فرد به کرامت انسانی در خود را سبب خوار کردن تمایلات شهوانی می‌داند (نهج البلاغه، قصارالحکم ۴۴۹).

اصلی‌ترین مفهوم در یافتن معنای عفاف، شهوت و خصوصاً شهوت جنسی^۳ است. راغب در مفردات شهوت را این‌گونه معنا می‌کند: «از ماده شهو که اصل آن الشَّهْوَه به معنای خواهش و دل‌بستگی نفس به چیزی است، که می‌خواهی و اراده کرده‌ای» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۸) و این خواهش و تمایل در دنیا دو گونه است: یک. تمایل کاذب. دو. تمایل صادق. میل و خواهش صادق آن چیزی است که اگر برآورده نشود کار بدن بدون آن مختل می‌شود مثل تمایل به طعام در موقع گرسنگی. و اما تمایل و شهوت دروغ یا کاذب چیزیست که بدون آن، کار بدن

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۱۵

مختل نمی‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۶۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۱۴۴) مثل میل به غذای بهتر بعد از سیر شدن و استراحت طلبی بیش از حد که نوعی هوس نفسانی است.

بین مفهوم تقوا و عفاف رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. تقوا یعنی انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک از آن است نگه دارد، و در دین یعنی خود نگهداری از آنچه که به گناه می‌انجامد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۱) تقوا به معنی عمل نکردن نیست بلکه به معنی پرهیز از گناه در عمل کردن است. تقوا و عفاف یعنی برخورداری از مصونیت، برای همین خداوند متعال فرموده: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (سوره مبارکه مائده/ آیه ۲) یعنی باید به تقوا دست یافت. تقوا یک عنوان کلی است که عوامل زیادی همچون حلم، صبر، حیا، عفت و .. سبب دستیابی به تقوا می‌شوند (پسندیده، ۱۳۸۳: ۳۴). بنابراین تقوا شامل پرهیز از هرگناهی است اما منظور از عفاف پرهیز از برخی گناه‌هاست. وجود ملکه عفاف در فرد سبب مصونیت وی از گناه می‌شود به طوری که نه تنها از شرایط و موقعیت گناه پرهیز می‌کند بلکه به ایجاد یک زمینه ارتباطی عفاف‌گونه هم اقدام می‌نماید. شخص ضعیف به ارتباطات گسترده انسانی بر مبنای کرامت انسانی^۴ توجه دارد. وقتی بینش انسان‌ها در ارتباط با خود و دیگران بر اساس کرامت شکل گرفت آنگاه برای شهوت و نگاه حیوانی جایی نخواهد ماند. کرامت از ریشه کرم به معنی عزت و بلندمرتبتگی است (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۵۱۲) بنابراین منظور ما از توجه به کرامت انسانی به معنای توجه به هویت انسان و وجود معنوی و غیرجسمانی انسان در زندگی مادی اوست. مفهوم کرامت انسانی محدود به افراد نیست بلکه به گونه بشر اشاره دارد.^۵ در ادامه در مورد شکل‌گیری کرامت نفس در ارتباطات انسانی توضیح خواهیم داد.

۱-۲- ارتباط

تعاریف اولیه ارتباط، که در علم ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته، به سه عنصر فرستنده، پیام و گیرنده تکیه داشت، اما با گذشت زمان و تفکر در پیچیدگی‌های مفهوم

ارتباطات عناصری همچون معنی، کانال پیام، وسیله انتقال پیام، پارازیت و... مدنظر قرار گرفت که ارتباطات را به‌عنوان یک رشته علمی مطرح کرد.^۶

دیدگاه‌های مختلفی نسبت به ارتباطات وجود دارد که هر کدام نظریه‌هایی را به‌دنبال داشته است. کریگ با اشاره به عدم انسجام نظریه‌های ارتباطات، این نظریه‌ها را به هفت سنت تقسیم می‌کند: معانی بیان، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، سایبرنتیک، روان‌شناسی اجتماعی، فرهنگ‌شناسی اجتماعی و انتقادی (Craig, 1999).

جان فیسک در کتاب خود، مطالعه ارتباطی را به دو مکتب تقسیم می‌کند. نخستین مکتب، ارتباط را انتقال پیام‌ها می‌داند. فیسک نام این مکتب را مکتب فرآیند گذاشت. مکتب دوم، ارتباط را تولید و تبادل معانی می‌داند. این مکتب دنبال آنست که چگونه پیامها یا متنها در کنش متقابل با مردم قرار می‌گیرد تا معنا تولید کند (فیسک، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۲). بدین ترتیب تعریف ارتباط نیز با توجه به این دو مکتب و سنت‌های ارتباطی تفاوت می‌کند. با بررسی برخی تعاریف در مکاتب نظریه‌های ارتباطی و همچنین تقسیم‌بندی فیسک، سعی می‌شود با توجه به پیام و معنا به تعریفی از ارتباط دست یابیم.

گروهی از اندیشمندان ارتباطات، مسئله تأثیر و جریان محرک و پاسخ را در تعریف ارتباط به‌صورت انتقال پیام مطرح کرده‌اند که در مکتب فرآیند می‌گنجد (فیسک، ۱۳۸۶: ۱۰). الگوی ارتباطی گرنر در این مکتب می‌گنجد. گرنر ارتباط را پیوستگی واقعیت با فرینگی فرهنگ می‌داند. یعنی پیامی که فرستنده برای گیرنده ارسال می‌کند متشکل از مجرا و وسیله در کنار محتوای ادراک شده فرستنده از واقعیت است که فهم پیام برای گیرنده جدای از پیش‌زمینه‌های شناختی و فرهنگی او نخواهد بود (فیسک، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۷).

البته دسته دیگری هم وجود دارد که انتقال پیام را مساوی انتقال معنی می‌دانند که فیسک به آن اشاره‌ای نداشته است. به‌عنوان نمونه، هنری لیندگرن در کتاب هنر ارتباط انسانی، می‌گوید: «ارتباط از دیدگاه روان‌شناسی فراگردی است حاوی تمام

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ► ۱۱۷

شرایطی که متضمن انتقال معنی باشد» (Lindgren, 1953: 135) به نقل از محسنیان‌راد، (۱۳۸۲: ۴۵). رایت نیز در تعریف خود همچون لیندگرن مسئله انتقال معنی را مطرح کرده است: «ارتباط فراگرد انتقال معنی بین دو فرد است» (Wright, 1959: 11) به نقل از محسنیان‌راد، (۱۳۸۲: ۴۵).

گروه دیگری از اندیشمندان ارتباطات روند تولید معنا را در مبادله پیام می‌دانند که فیسک نظریات ارتباطی نشانه‌شناسی را در این گروه می‌داند. به نظر می‌رسد نظریه تعامل نمادین از جرج هربرت مید^۷ (۱۸۶۳-۱۹۳۱) که در جامعه‌شناسی ارتباط مطرح شده نیز در این دسته می‌گنجد. در این نظریه به سه مضمون محوری توجه می‌شود (West, 2000: 19):

یک. اهمیت معنا در رفتار انسان‌ها

دو. اهمیت تصویری که شخص از هویت و ارزش و استعداد خود دارد (Self-concept).

سه. رابطه بین فرد و جامعه

مید اعتقاد دارد معنایی که در انسان‌ها به وجود می‌آید ناشی از فرآیند ارتباطی ایشان از یک طرف با خود و از طرف دیگر با جامعه انسانی است، به عبارت دیگر پیام حامل معنا نیست بلکه پیام در تجزیه و ترکیب تفکرات انسانی معنازا می‌شود.

محسنیان‌راد هر چند دیدگاه خود از ارتباط را نزدیک به مکتب مبادله پیام و تولید معنی می‌بیند، ولی تعریف خود را از ارتباط و رای دیدگاه مطرح شده می‌داند. او با بررسی چندین تعریف از اندیشمندان این حوزه در کتاب ارتباط‌شناسی، به تعریفی از ارتباط بر اساس معنا دست یافته است که به تجلّی معنی در گیرنده اشاره دارد. او می‌نویسد: «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از فرستنده به گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲: ۵۷). حال این پیام هم به صورت کلامی و هم غیرکلامی انتقال می‌یابد و معنای مورد نظر همان پیام کدگذاری شده از سوی فرستنده است که موجب برانگیخته شدن معنای درونی گیرنده می‌شود. او از مجموع نوشته‌های برلو

درباره فراگرد نتیجه می‌گیرد که: «فراگرد ایستا نیست، بلکه پویاست. فراگرد آغاز و پایان ندارد. اجزاء و عناصر یک فراگرد دارای کنش‌های متقابلند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و از دیگری تأثیر می‌گیرد. دارای ردیفی از اجزا نیست» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲: ۷۵).

اگر با رویکردی فرهنگ‌شناسانه به ارتباط نگاه کنیم به رابطه نماد و معنا پی برده و در این رابطه به تعریف ارتباط دست می‌یابیم. فیاض، فرهنگ را مجموعه‌ای از معناها و نمادهای مربوط به آن تعریف کرده و در تعریف نماد می‌نویسد: «نماد ساخته انسان در فضا و زمان است که دارای واقعیتی مادی بوده و به وسیله حس، تجربه می‌شود» (فیاض، ۱۳۸۱: ۶).

در مکتب نشانه‌شناسی^۸ به دلالت‌ها و نمادهایی توجه می‌شود که معانی را در ذهن می‌پرورانند. «نشانه‌شناسان، ارتباطات را با نمادهای میان‌ذهنی نظریه‌پردازی می‌کنند. که این نمادها شامل زبان و دیگر نظام‌های نشانه‌ای است که معانی را به اشتراک گذاشته و فهم عمومی را بین افراد شکل می‌دهد... در حقیقت نماد واسطه‌ای میان زبان و تفکر است» (Craig, 2007: 163). بنابراین نمادها و معانی در فهم عمومی جامعه وجود داشته و مردم در استفاده از نظام‌های نشانه‌ای به ارتباط باهم می‌پردازند.

حال با توجه به این نظریات به تبیین مفهوم ارتباط با استفاده از معنا، نماد و پیام می‌پردازیم. انسان از یک‌طرف واجد معنا بوده و پیام به‌عنوان برانگیخته کردن آن معنا در وجود انسان عمل می‌کند، اما از طرف دیگر انسان از همان ابتدای تولد واجد بسیاری از معانی نبوده و در گذر زمان و با کسب تجربه و آموزش بسیاری از معانی را یافته است. پیامی که به انسان می‌رسد یا فرآیند ارتباطی یک انسان در چارچوب‌های ذهنی او که ناشی از تجربه‌ها و گذشته او و حتی تاریخ اجتماعی او است، دریافت و پردازش می‌شود که می‌تواند معنای متفاوت از آنچه ارسال‌کننده مدنظر داشته، به وجود آمده باشد. به نظر می‌رسد که معنا هم در انسان وجود دارد و هم در او به وجود می‌آید.

بنابراین پیام در فراگرد ارتباط، هم می‌تواند معنایی را در انسان به‌وجود آورد و هم می‌تواند معناهای موجود در ذهن او را به‌خاطر آورد. البته این معنا در پردازش عقلی صورت می‌گیرد که تجربه‌های شخصی و اجتماعی را از قبل به‌همراه داشته است. با توجه به آنچه گذشت، تعریفی که از ارتباط ارائه می‌دهیم چنین خواهد بود: «ارتباط عبارت است از فراگرد ارسال پیام از فرستنده به گیرنده که این پیام، یا معنای جدیدی در گیرنده به‌وجود می‌آورد و یا نشانه و نمادی برای برانگیختن معنای مورد نظر فرستنده در گیرنده است».

۲- عفاف در سطوح ارتباطات انسانی

۲-۱- ارتباط درون‌فردی

ارتباط درون‌فردی^۹ یک داد و ستد ارتباطی است که در درون فرد روی می‌دهد. این نوع از ارتباط در حقیقت حرف زدن با خود است. ارتباط درون‌فردی از آن روی امکان‌پذیر می‌شود که انسان می‌تواند با استفاده از نمادهایی که در ارتباط خویش به‌کار می‌گیرد، موضوع یا منظور خودش واقع شود (بلیک، ۱۳۷۸: ۳۹).

عفاف در ارتباط درون‌فردی به معنای غلبه عقل و خویشتنداری انسان بر تمایل به معصیت و شهوت جنسی است که این جز با در نظر گرفتن کرامت نفس از سوی خود شخص صورت نمی‌گیرد. انسان می‌تواند به قدری با خود مشغول شود که به خود ارضایی در تمایلات جنسی برسد؛ چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هر کس زیاد به فکر گناه باشد، گناهان او را به خود فرا می‌خواند» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۸۶).

خودارضایی و استمناء یک عمل انحرافی و یک عکس‌العمل از نوع جان‌شین ساختن رفتاری به جای رفتار دیگر است (قائمی، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۵). فرد عملاً با خود کاری می‌کند که به تخلیه هیجان منجر گردد. از آنجایی که خودارضایی و یا استمناء در تمام ادیان و بسیاری از سنت‌های فرهنگی مذموم خوانده شده با کرامت نفس انسان در

۱۲۰ ◀ نامه فرهنگ و ارتباطات

تضاد است زیرا سبب افسردگی، انزواگزینی و پشیمانی زودرس می‌شود (قائمی، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۴۱).

تفکر انسان از هویت جنسی خود و تمایلات جنسی اگر در پرتو عقل و خویشنداری قرار گیرد عفاف درون‌فردی را تشکیل می‌دهد که همان حریم شخصی است. شاید بتوان ادعا کرد، هرگاه انسان بتواند به عفاف درون‌فردی خود دست یابد قاعدتاً می‌تواند در سطوح دیگر ارتباط نیز به عفاف دست پیدا کند.

قوه وهم و خیال‌پردازی^{۱۰} در ارتباطات درون‌فردی باعث گسترش تفکر شهوانی خواهد شد (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵). بنابراین منشأ اصلی در ارتباط شهوی انسان با خود، خطورات ذهنی است که در اشکال گوناگون ذهن را مشغول کرده و اگر به پاسخ مناسب خود دست نیابد سبب عقده‌های روانی خواهد شد. لذا یا باید از تهییج این خطورات جلوگیری کرد (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۷۳) یا با پاسخ مناسبی همچون نکاح که دستور دین است، به آن جهت انسانی داد. امام صادق(ع) با تشبیه فکر گناه به روشن کردن آتش در یک قصر و دودی شدن دیوارهای زینتی آن شیعیان را از فکر گناه برحذر می‌دارند، زیرا فکر گناه خواه‌ناخواه در قلب انسان تیرگی ایجاد می‌کند و به‌صفا و پاکی دل ضربه می‌زند ولو عملاً مرتکب آن گناه نشود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۴۲).

۲-۲- ارتباط میان فردی

مفهوم ارتباط میان‌فردی^{۱۱} برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. ارتباط میان‌فردی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ارتباط میان‌فردی را می‌توان به‌عنوان فرآیندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد. بنابراین لازمه این ارتباط، دادن و گرفتن است و همچنین در فرآیند ارتباط، عنصر اطلاعات و رابطه همیشه باهم هستند» (برکو، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

هاولند کنش متقابل در ارتباط میان‌فردی را تأثیر فرستنده بر گیرنده در یک ارتباط فیزیکی و رودررو می‌داند، اما بارنلاند سال‌ها پس از او با پنج ویژگی ارتباط میان‌فردی را توضیح می‌دهد:

یک. به وجود آمدن یک تعهد ادراکی - دریافتی در طرفین ارتباط،
دو. این تعهد باعث وابستگی متقابل ارتباطی و کنش متقابل متمرکز می‌شود،
سه. کنش متقابل متمرکز از طریق مبادله پیام انجام می‌شود،
چهار. تمامی حواس پنجگانه می‌توانند در کنش متقابل درگیر باشند،
پنج. این ارتباط بی‌ساختار بوده و از قواعد اندکی بهره می‌برد (بلیک، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱).

هرچند بلیک و هارولدسن ارتباط تلفنی و بی‌سیم را خارج از دسته‌بندی ارتباط میان‌فردی دانسته و دسته جدیدی به نام ارتباط بینابین را پیشنهاد می‌کند (بلیک، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۸) اما ما هردو دسته را در همین ارتباط میان‌فردی فرض می‌کنیم.

در این سطح از ارتباط، دو فرد در دو سوی ارتباط قرار دارند و به‌صورت کلامی و غیرکلامی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. عفاف در این سطح از ارتباط به‌معنای ارسال و دریافت هرگونه پیامی است که معنایی را در دو طرف ارتباط در مورد شهوات جنسی برانگیخته نساخته و در کنش متقابل متمرکز ایشان موجب تحریک شهوت جنسی نشود مگر برای زوجین. بنابراین منظور از ارتباط عفاف‌گونه بین دو فرد لزوماً ارتباطی نیست که حاوی هیچ‌گونه از پیام‌های مسائل جنسی نباشد بلکه در آموزش فقه، معالجات پزشکی و مسائل زناشویی چنین پیام‌هایی وجود دارد، اما بر این نکته پافشاری می‌کنیم که حاکم شدن روح عفاف در همین ارتباطها سبب عدم تحریک شهوت جنسی و بالتبع عدم ترس از افتادن در گناه برای فرد شده و این ارتباط صرفاً در دایره آموزش و درمان برخی مسائل می‌گنجد که مورد توجه دین هم بوده است. حال می‌توان به سه دسته از حیث جنس در مورد این سطح از ارتباط اشاره کرد: یک. هم‌جنس، دو. غیرهم‌جنس محرم و سه. غیرهم‌جنس نامحرم که عفاف در ارتباط این گروه‌ها در حوزه کلامی و غیرکلامی جاری است.

از آنجایی که بحث عفاف مربوط به جنس^{۱۲} (خصوصیات فیزیکی و بیولوژیکی) است نه جنسیت^{۱۳} (خصوصیات روان‌شناختی و اجتماعی) در این سه دسته به ارتباطاتی توجه می‌شود که برآمده از جنس باشد. در مورد ارتباط همجنسان باید

دانست، هر چند بین ارتباط‌گران هم‌جنس به‌طور معمول تمایلات جنسی وجود ندارد اما دین مبین اسلام حدود شرعی و اخلاقی در ارتباط همجنسان نیز قائل شده است. از نظر شرع، زن در مقابل زن دیگر باید عورتین خود را بپوشاند (معصومی، ۱۳۸۶: ۶۳). برای مردان هم پوشش عورت در برابر یکدیگر لازم است (معصومی، ۱۳۸۶: ۳۷). حتی بسیاری از مراجع رقص زن برای زن و مرد برای مرد را جایز نمی‌دانند زیرا به‌گونه‌ای، محرک شهوت خواهد بود (معصومی، ۱۳۸۶: ۲۱۷-۲۲۱).

در ارتباط عفاف‌گونه نباید احساسات زنانه و حساسیت‌های ایشان مورد سوءاستفاده مردان قرار گیرد. همچنین عشوهای زنانه و تمایل زنان به نمایان‌سازی خود برای جلب مردان نیز عقلانیت مرد را تحت‌الشعاع قرار داده و روابط عفاف‌گونه را برهم می‌زند. همه اینها موجب برهم خوردن تعادلات عقلانی و در پی آن عدم توجه به کرامت نفسانی در ارتباط دو فرد می‌شود.

۲-۲-۱- ازدواج دائم و موقت: ازدواج بین دو جنس مرد و زن که در سطح ارتباط میان‌فردی در ارتباطات انسانی می‌گنجد تنها و بهترین راه برای ارضای نیاز جنسی و برخورداری از روح عفاف است. ازدواج یک عامل ایجابی در به‌وجود آمدن عفاف است از همین رو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (سوره مبارکه بقره/آیه ۱۸۷) (زنان لباس شما و شما لباس ایشان هستید) زیرا رابطه جنسی و تعهد خانوادگی برآمده از ازدواج سبب چشم‌پوشی از گناه شده و مرد و زن به‌خاطر پایداری رابطه خود حاضر به ارتباط جنسی خارج از خانواده نیستند. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَالْأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ...» (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۱۷۲) (ای گروه جوانان! کسی که از شما توانایی بر ازدواج داشته باشد، ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند).

در مورد تقویت ایمان به‌وسیله عفاف ناشی از ازدواج نیز باید به این روایت اشاره کنیم که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الْإِيمَانِ فَلْيَتَّقِ

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۲۳

اللَّهُ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۵۴) (کسی که ازدواج می‌کند نصف دینش کامل شده پس در باقی آن تقوا داشته باشد). زیرا چنانکه در معنای عفاف گفته شد، عفاف و ایمان رابطه‌ای مستقیم دارند که سبب تقویت هم می‌شوند.

رابطه جنسی در پرتو ازدواج در حد یک لذت جسمانی نیست بلکه طبق آموزه‌های اسلام سبب شکوفایی ایمان و بلندی روح انسان می‌شود چنانکه پیامبر اکرم (ص) ازدواج را سبب بازشدن درهای رحمت خداوند، آمرزش گناهان و تحکیم عفت می‌داند (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۰۱-۱۰۲). از طرف دیگر در روایات شخص مجرد بسیار تقبیح شده و پیامبر گرامی اسلام (ص) مجردی که وسع مالی برای ازدواج دارد را برادر شیطان خوانده است (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۰۱).

آنچه که بیشتر مورد تأکید دین اسلام است ازدواج دائم بوده اما اگر شرایط ازدواج دائم فراهم نبود، برای ارضای نیاز جنسی، ازدواج موقت با شرایط خاص آن به‌عنوان جواز و دستوری برای مراقبت از عفاف صادر شده است. چنانکه از امیرالمؤمنین (ع) درباره متعه سؤال شد که ایشان فرمودند: «این ازدواج حلال مطلق است برای کسی که ازدواج دائم نکرده است، البته چنین شخصی باید عفت خود را از راه ازدواج موقت به‌دست آورد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۷).

۲-۳- ارتباطات گروهی

وقتی ارتباط افراد از سه نفر بیشتر شود، روابط ایشان ارتباطات گروهی^{۱۴} را تشکیل می‌دهد، همین روابط در ساختار سازمان، ارتباطات سازمانی نام می‌گیرد و اگر میان افراد از چند فرهنگ رخ دهد ارتباطات میان فرهنگی خوانده می‌شود (Eadie, 2009: 19). از آنجایی که گروه تنها مجموعه‌ای از افراد نیست بلکه نشان دهنده نوع و شکل روابط میان اعضای آن گروه نیز هست، ارنست بورمن گروه را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از افرادی که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا کارهای مشترکی را انجام دهند و به هدفی مهم دست یابند» (برکو، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

در این سطح ارتباط، حداقل در یکی از دو طرف ارتباط یک گروه محدود و قابل شمارش وجود دارد. وجود عفاف در ارتباط گروهی موجب رعایت تمام موازینی است که شهوت جنسی در ارتباطگران تحریک نشده و هیچ ریه‌ای در این ارتباط وجود نداشته باشد. به طور مثال در میهمانی‌ها، جشن‌ها و عروسی‌ها امکان پوشیدن لباس‌های نامناسب و یا رقص و موسیقی تحریک‌کننده شهوت جنسی وجود دارد و البته مؤمنین در رعایت عفاف اسلامی باید از این امور خودداری کنند.

اختلاط زن و مرد نامحرم به خودی خود مکروه است و اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماس‌های جسمی بین زن و مرد واقع شود اختلاط حرام خواهد بود (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). رفتن به میهمانی‌هایی که انسان می‌داند اگر برود ناچار است به نامحرم غیرمحبوبه نگاه کند جایز نیست. به طور کلی باید در مجالس و اختلاط‌هایی که در مظان گناه است دقت داشت همچون؛ برپاکردن مجالس میهمانی مختلط بخصوص اگر شرکت‌کنندگان آن جوان باشند، هنگام غذا خوردن نامحرمان با یکدیگر، رفتن با نامحرم به تفریح، همکاری یک گروه که از نامحرمان تشکیل شده (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

۲-۴- ارتباطات جمعی

ارتباطات جمعی^{۱۵} را می‌توان شکل توسعه‌یافته ارتباط رودررو یا مدل خطی ارتباط دانست که در یک طرف فرآیند ارتباط فرستنده پیام و در طرف دیگر گیرنده آن وجود دارد. ارتباط جمعی یک فرآیند است و با اینکه تکنولوژی مدرن در شکل رسانه‌های گروهی برای این فرآیند ضروری است ولی حضور این آلات فنی را نباید با خود فرآیند ارتباط جمعی اشتباه گرفت (بلیک، ۱۳۷۸: ۴۹). ارتباط جمعی، بنا به تعریف رایج، با سه ویژگی مشخص می‌شود:

یک. در ارتباط جمعی پیام به سوی گیرندگان نسبتاً نامتجانس هدایت می‌شود، دو. پیام‌ها، که ذاتاً گذرا و ناپایدارند، برای عموم در یک زمان بندی مشخص ارسال می‌شود،

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۲۵

سه. ارتباط گر، یا یک سازمان پیچیده یا عاملی است که در محدوده سازمان به کار می‌پردازد (بلیک، ۱۳۷۸: ۴۹).

به هر حال در ارتباط جمعی فرستنده پیام، یک شخص یا یک گروه یا یک سازمان است و دریافت‌کنندگان پیام، بزرگ و ناشناخته و نامتجانس از جهت ادراکی و فرهنگی هستند (pearce, 2009).

عفاف در این سطح ارتباط، از یک طرف متوجه فرستندگان پیام است، ایشان باید به گونه‌ای پیام را رمزگذاری کنند که در رمزگشایی آن به وسیله مخاطبان گسترده موجب برانگیخته شدن معنا و به دنبال آن تحریک شهوت جنسی در ایشان نشود. از طرف دیگر عفاف در ارتباط جمعی متوجه مخاطبین است. همان‌طور که در مورد ریه گفته شد، ریه امری نسبی در انسان‌هاست، شاید یک برنامه تلویزیونی همه جهات شرعی را در برنامه‌سازی خود رعایت کرده باشد اما مخاطب نباید به خاطر لذت جنسی به استفاده از رسانه پردازد.

در این نوع ارتباط از وسایل ارتباط جمعی چاپی و الکترونیک، سمعی و بصری مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما و... استفاده می‌شود که تولیدگران یا فرستنده آن معلوم و مشخص است اما مخاطبان و گیرندگان پیام را به‌طور دقیق نمی‌توان شمارش کرد.

مطالعات نشان می‌دهد تلویزیون، از همه رسانه‌ها باور کردنی‌تر است و چنانچه مردم محدود به گزینش یک رسانه باشند از همه رسانه‌ها خواستنی‌تر است. و نیز اینکه، تلویزیون بهترین عملکرد و اجرای نقش را نسبت به دیگر رسانه‌ها، ارائه می‌دهد، و بالاخره، تلویزیون در فاصله سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷، نقش رهبری خود را در این ابعاد، افزایش داده است (رپر به نقل از بلیک، ۱۳۷۸: ۵۴). ارزان بودن، جذاب بودن، برخورداری از برنامه‌های مختلف و فراهم کردن آسان آن شاید از دلایل حجم انبوه مخاطبان و اقبال عظیم مردم به آن باشد. این رسانه، کارکردهای اجتماعی عمده‌ای در جامعه دارد و در شکل‌گیری ارزش‌های فردی، اجتماعی و معنوی بسیار تأثیرگذار است.

از آنجایی که رسانه تلویزیون رسانه‌ای دیداری - شنیداری است، واجد احکام عفاف برای مخاطب در حوزه نگاه و شنیدن، و برای فرستندگان پیام در تمامی احکام عفاف می‌شود. برنامه و فیلم تلویزیونی اگر به صورت زنده پخش شود حکم انسان زنده را دارد و اگر برنامه غیرمستقیم باشد حکم عکس را پیدا می‌کند (معصومی، ۱۳۸۶: ۸۳). دیدن عکس زن نامحرم، در صورتی که حجاب خود را رعایت نکرده باشد و مرد او را بشناسد حرام است، اگر او را نشناسد اشکالی ندارد.^{۱۶} البته پوشش عورتین در عکس هم باید لحاظ شود (معصومی، ۱۳۸۶: ۷۶-۸۲). در نتیجه اگر تصویری به طور مستقیم پخش شود احکام نگاه به آن، همان احکام نگاه کردن به انسان زنده را دارد، لذا مردان نمی‌توانند به غیر از وجه و کفین زنان (مسلمان) نامحرم را نگاه کنند و همچنین خانم‌ها نمی‌توانند به بدن مردان که در فیلم‌های ورزشی یا غیر آن که به طور مستقیم پخش می‌شود، نگاه کنند (معصومی، ۱۳۸۶: ۸۴).

با توجه به چهار سطح ارتباط به تقسیم‌بندی از حیث کلام در ارتباطات توجه کرده و نظریات اسلام را در این تقسیم‌بندی بررسی می‌کنیم.

۳- انواع ارتباطات

۳-۱- عفاف در ارتباطات کلامی

محققان، عموماً معتقدند که انسان‌ها در ابتدا برای برقراری ارتباط به طرز حرکات اندام بدن اتکا می‌کردند و بعداً رمزی را قرار داد کردند که به وسیله آن می‌توانستند ارتباط گفتاری نیز برقرار کنند (برکو، ۱۳۸۶: ۱۰۱) توضیحاتی که برای توجیه تمایل انسان به استفاده از زبان گفتاری ارائه شده است حول موضوع احتمال ارتباط اصوات با حالات و حرکات بدن متمرکز است زیرا لب‌ها، زبان و دهان حرکات دست را تقلید می‌کنند. بنابراین از آنجا که زبان حرکات تنها می‌تواند تعداد محدودی پیام را منتقل کند و دامنه کاربرد اصوات بیشتر است، میزان به‌کارگیری زبان گفتاری افزایش یافته است. و بعدها به دلیل احساس نیاز به روشی دیگر برای انتقال پیام‌ها، علایم نوشتاری پدید آمد (برکو،

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۲۷

۱۳۸۶: ۱۰۱). ارتباطات کلامی^{۱۷} روابطی است که میان انسان‌ها براساس گفتار و کلام شکل می‌گیرد بنابراین مهارت‌های چهارگانه گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن برآمده از ارتباطات کلامی است.

آنچه که در ارتباطات کلامی مورد توجه است خود کلام است و لحن کلام، تندی و نازکی صدا در ارتباطات غیرکلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. سخن و کلام برای فرستنده پیام در گفتار و نوشتار و برای گیرنده پیام در شنیدن و خواندن منعکس می‌شود. بنابراین عفاف در تقسیم‌بندی فرستنده و گیرنده شامل هر چهار عمل گفتن و شنیدن، نوشتن و خواندن می‌شود. در این قسمت خود سخن که در ارتباط کلامی می‌گنجد مدنظر قرار می‌گیرد. وقتی کلام حاوی معنای شهوت جنسی نبوده و موجب تحریک شهوت جنسی نشود مگر میان زوجین و همچنین کرامت انسانی را از بین نبرد مانند کلام ناسزا و زشت، در دایره عفت قرار دارد. بنابراین گوینده و نویسنده از یک طرف و شنونده و خواننده از طرف دیگر با توجه به عفت در کلام به ارتباط می‌پردازند. امیرالمؤمنین(ع) محتوای مستهجن کلام را سبب گرایش افراد پست به انسان می‌داند: «از کلام زشت و غیراخلاقی بپرهیز که موجب می‌شود فرومایگان بدورت جمع شوند و گرامیان از تو دور شوند»^{۱۸} (تمیمی، ۱۳۳۶: ۲۱۴).

در احکام مراودات نامحرمان آمده است که اگر هرگونه صحبت مرد و زن نامحرم موجب ربه و فساد باشد حرام است و باید از آن اجتناب کرد. بدین ترتیب صحبت‌هایی که به قصد شهوت انداختن دیگری گفته می‌شود مانند تعریف کردن صحنه‌های تحریک‌کننده حرام است. حتی صحبت غیرضرور مرد با زن جوان نامحرم مکروه است. البته به‌طور کلی صحبت کردن با هر کسی درباره هر چیزی از روی شهوت و لذت جایز نیست (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۵۳-۱۵۶). خانم‌ها نیز در صحبت کردن با نامحرم باید سه شرط را رعایت کنند: یک. به قصد لذت و ربه نباشد، دو. صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند و سه. خوف از به گناه افتادن نداشته باشند (معصومی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

۳-۲- عفاف در ارتباطات غیر کلامی

ما بیشتر مفاهیم مستتر در خویشتن را با حرکات به دیگران انتقال می‌دهیم. پژوهش‌هایی در جهت مرتبه‌بندی سهم ارتباط کلامی به غیر کلامی در ارتباطات انسانی وجود داشته که به‌طور نمونه بیردویسل مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی^{۱۹} در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی‌مانده آن در زمره غیر کلامی است (فرهنگی، ۱۳۸۶: ۲۷۲-۲۷۳).

ارتباط غیر کلامی، ارتباط از طریق کلیه محرک‌های بیرونی غیر از کلمات نوشتاری و گفتاری است. این نوع ارتباط شامل حرکات بدنی، مشخصات ظاهری، مشخصات صدا و نوع استفاده از فضا و فاصله می‌باشد. نشانه‌های غیر کلامی می‌تواند به وسیله واکنش‌های عصبی ذاتی یا رفتارهای اکتسابی در یک فرهنگ، ایجاد شود. هر فرهنگی زبان بدنی خاص خود را دارد. کانال‌های ارتباط غیر کلامی عبارتند از: زبان بدن (حرکت گفتاری): داهای آوایی (شبه اصوات)، فضا (مجاورت)، زمان، شامه، زیبایی‌شناسی، مشخصات فیزیکی و مصنوعات (برکو، ۱۳۸۶: ۱۵۲). برای همین وقتی عفاف را در ارتباطات غیر کلامی در نظر بگیریم با موضوعات و مسائل متعددی روبرو می‌شویم که نشان‌دهنده پیچیدگی و گستردگی موضوع عفاف است.

یک. عفاف در صدا: سخن گفتن از روی ناز و کرشمه که دل مردان را وسوسه کند و موجبات فساد را فراهم نماید، از طرف دین اسلام منع شده است. وقار در سخن و حیا در کلام، حکمی است که از طرف خداوند به زنان پیامبر فرمان داده شده است.^{۲۰} (سوره مبارکه احزاب/آیه ۳۲) طباطبایی در مورد «قلن قولا معروفا» می‌نویسد: «یعنی سخن معمول و مستقیم بگویند، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنید، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریه هم بشود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۰۹). به عبارت دیگر در ارتباطات میان نامحرمان باید خود پیام مورد توجه باشد و همراه کردن ارتباطات غیر کلامی ارادی همچون نازکی صدا از دایره عفاف خارج است.

زنان می‌بایست در برابر همه افراد از ناز در سخن پرهیز کنند تا از بیمار دلان هم ایمن باشند. امیرالمؤمنین (ع) از سلام کردن بر زنان جوان به خاطر صدای زن اجتناب می‌کردند. (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۹۷) اثر تحریک‌آمیز صدای زن توسط روان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته، از جمله مارتین موریسون روان‌شناس کانادایی به این نتیجه رسیده که: «صدا اولین محرک و عامل جنسی به شمار می‌آید... و صدای زن در مردها اثر به‌سزایی دارد» (پاکنژاد، ۱۳۶۱، ج ۲۰: ۱۸۲).

دو. حجاب و پوشش: حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنی پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب به معنی پرده نیز است (اقرب الموارد).^{۲۱} (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۳) در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۹-۸۰). معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد.

دو واژه «خمار» و «جلباب» نقش کلیدی در فهم حدود حجاب اسلامی دارند، و از این دو با عناوین «مقنعه» و «چادر» در جامعه ایران یاد می‌شود. ضرورت پوشیدن خمار از آیه شریفه سوره نور استفاده می‌شود که می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» (سوره مبارکه نور/آیه ۳۱) راغب ذیل واژه خمار می‌نویسد: خمار در اصل به معنای پوشاندن چیزی است و در اصطلاح پارچه‌ای که زن سرش را با آن می‌پوشاند اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۱۰). اما نکته‌ای که قابل توجه است این است که کارکرد مقنعه فقط پوشاندن سر نیست؛ بلکه باید گریبان را نیز بپوشاند و این معنا از کلمه «جیوب» فهمیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۵۷).

آیه‌ای دیگر چگونگی پوشیدن چادر را به زنان آموزش می‌دهد^{۲۲} (سوره مبارکه احزاب/آیه ۵۹). کلمه «یدنین» از ریشه «دنو» به معنای نزدیک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۲). «جلباب» جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۶۴).

مطلب دیگری که هم فرهنگ ایران و دین اسلام بر آن تأکید دارد دوری از تبرج یا خودنمایی است، زیرا تبرج رفتار جاهلیت است^{۳۳} (سوره مبارکه احزاب/آیه ۳۳). یعنی در جوامعی که به تمدن نرسیده‌اند بیشتر مردم به خودنمایی می‌پردازند. بعضی وقت‌ها ممکن است آقایی از نظر پوشش اشکال نداشته باشد یا خانمی حجاب چادر را انتخاب کرده باشد ولی به آن بُعد باطنی و درونی که پرهیز از خودنمایی است توجه نکند، این حجاب ایراد دارد. با در نظر گرفتن عفاف مفهوم کاملی می‌توانیم ارایه بدهیم که هم حجاب رعایت شده باشد و هم قید تبرج و خودنمایی زده شود.

سه. اختلاط زن و مرد، مصافحه و برخورد: علاوه بر پوشش، نوع رفتار و برخورد زنان و مردان در جامعه قابل توجه است. خداوند در قرآن کریم به مسلمین دستور می‌دهد که اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید از پس پرده خواسته خود را به ایشان اعلام کنید^{۲۴} (سوره مبارکه احزاب/آیه ۵۳) که این دستور با تنقیح مناط شامل زنان مسلمان دیگر هم می‌شود و باید توجه داشت که این حکم غیر از پوشیده بودن زن از نامحرم است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۳). این آیه به نوع ارتباط نامحرم اشاره می‌کند و در این آیه عنوان نمی‌شود که به هیچ‌وجه با زنان پیامبر ارتباط برقرار نکنید بلکه حجاب را در وسط این ارتباط قرار می‌دهد.

چهار. استفاده از عطر: هر یک از حواس جسمانی انسان می‌تواند یکی از محرک‌های شهوت جنسی باشد. حس بویایی که در دسته‌بندی ارتباطات غیرکلامی می‌گنجد، نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به وسیله برخی از بوها و عطرها موجب برانگیخته شدن شهوت می‌شود، خصوصاً اگر عطر از سوی زن نامحرم استعمال شده باشد. پیامبر اکرم (ص) در ضمن روایتی، ورود زن معطر به مجلسی که در آن نامحرم حضور دارد را برابر با زن زناکار می‌داند^{۲۵} (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۱) از این حدیث می‌توان به معنای شهوت در عطر زن پی برد.

پنج. کنترل نگاه: نگاه در ارتباطات غیر کلامی، هم می‌تواند دریافت‌کننده پیام و هم ارسال‌کننده پیام باشد. قرآن کریم کنترل نگاه را مستقیماً عاملی برای کنترل گناه

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۳۱

شهوة جنسی و حفظ حیا می‌داند^{۲۶} (سوره مبارکه نور/آیه ۳۰ و ۳۱). «ظاهر آن این است که مراد از امر به چشم‌پوشی در آیه‌ی شریفه، نهی از مطلق نگاه به زن اجنبی است و مطابق روایات وارده، آنچه که از نگاه به زن نامحرم حلال است، صورت و کفین می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۱۱۷). و اگر آن هم با لذت همراه باشد بدون اشکال نیست.

از این آیه استنباط می‌شود که پوشش و عدم نگاه رابطه‌ای دو طرفه با هم دارند و در این رابطه مستقیم است که شالوده عفاف بنا می‌شود و حجاب کامل شکل می‌گیرد. همچنین در این دو آیه حفظ فرج و کنترل نگاه هم به مرد و هم به زن دستور داده شده و هر دو باید عامل به دستور عفاف باشند (قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۵۱۲).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد عفاف در معنای دینی، غلبه عقل بر احساسات و شهوات انسان در عرصه فکر، و پرهیز از هرگونه معصیت و خطایی در عرصه عمل و توجه به کرامت انسان در ارتباط با دیگران (محرم و نامحرم) است.

کرامت نفس در ارتباطات را می‌توان با نظریه هربرت مید درباره تعامل نمادین توضیح داد. این نظریه بیان می‌کند انسانها در ارتباط با سایرین براساس معانی‌ای که سایرین برایشان دارند، رفتار می‌کنند.^{۲۷} ما در ارتباط با دیگران از خود پیام‌هایی جهت برخورد و نوع رفتار دیگران با خویش ارسال می‌کنیم و این نوع ارتباط در همه مردم وجود دارد. حال کسی که برای خود در نظر دیگران احترام قائل شود سعی می‌کند پیامی به دیگران ارسال کند که آنها در رفتار با او احترامش را حفظ کرده و به یک رابطه انسانی دست یابند. شاید این مفهوم به مفهوم کرامت نفس در نظر ما نزدیک باشد. در حقیقت کرامت نفس برآمده از خود احترامی^{۲۸} است، یعنی کسی که برای خود در نظر دیگران احترام قائل می‌شود.

وندی شلیت با اشاره به اهمیت عفاف برای دختران می‌نویسد: «با حفظ عفاف به‌عنوان یک دختر خوب، در جایگاه بالاتری قرار می‌گیری و کرامت نفس خود را حفظ می‌کنی و در پی آن مردم هم با شما محترمانه برخورد می‌کنند. فکر می‌کنم این مسئله به‌امواجی که از خود به دیگران منتقل می‌کنی ارتباط دارد. اگر شما این حس را منتقل کنی که «من ارزشی ندارم، هر طور می‌خواهی با من رفتار کن» آنگاه مردم هم براساس همین حسی که از شما ساطع می‌شود با شما رفتار می‌کنند» (شلیت، ۱۳۸۸: ۶۶). البته این احترام به خود که موجب کرامت نفس می‌شود از ارتباط درون‌فردی انسان آغاز می‌شود و همه سطوح ارتباطی او را پوشش می‌دهد که براساس آن زندگی انسان عقلانی شکل می‌گیرد. عفاف در معنای حریم شخصی یعنی حفظ هویت جنسی خویش در مقابل دیگران، که این دیگران مرحله‌بندی می‌شوند: همسر، همجنسان، محرم‌های غیرهمجنس، نامحرمان.

در یک نگاه کلی، گستره عفاف به گستردگی نه تنها اعمال و کردار انسان بلکه در تفکر و بینش او نیز هست. لذا موضوع کلی عفاف در همه سطوح زندگی انسان جاری است. عفاف در امور اجتماعی همچون عفاف در لباس، نگاه، گفتار، مقام، مال، خندیدن، زینت، کار؛ و عفاف در خانه و خانواده مثل عفاف در حسن معاشرت زوجین (که لذت شهوت جنسی ایشان را بر مدار کرامت انسان قرار می‌دهد)، حفظ حریمها، رعایت حقوق متقابل؛ عفاف در سطح فردی مثل خلوت، نیت، تفکر، مشارطه در دوری از گناه و سوءظن، پرهیز از بیکاری و تنبلی، غفلت، خواب و خوراک. و البته گاهی هم یک حکم در هر سه عرصه اجتماعی، خانوادگی و فردی است که زمینه‌ساز باروری عفت می‌شود. پس دایره عفت در زندگی بشر به وسعت دایره زندگی فردی، اجتماعی و کلیه تعاملات فکری و رفتاری انسان است.

ارتباط عقیفانه، گونه‌ای از ارتباط انسانی است که در این ارتباط پیامی که موجب تحریک شهوت جنسی شود مگر در چارچوب شرع، وجود ندارد. اگر ارتباط عقیفانه را در سطح میان‌فردی در نظر بگیریم، در این ارتباط طرفین ارتباط با در نظر گرفتن

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیرکلامی ▶ ۱۳۳

کرامت انسانی یکدیگر از هرگونه پیامی که معنایی از شهوت جنسی را برانگیزاند و موجب تحریک شهوت جنسی شود مگر در چارچوب دین، پرهیز کرده و این ارتباط مقوم شخصیت و احترام طرفین خواهد بود. حتی در ارتباط زناشویی هم ارتباط عفاف گونه به معنای رابطه جنسی بین دو انسان وجود خواهد داشت چنانکه دستورات دینی در مورد رابطه زناشویی وجود دارد.

بنابراین «ارتباط عفیفاً فراگرد ارسال پیام از فرستنده به گیرنده براساس کرامت انسانی است به گونه‌ای که معنایی از شهوت که موجب تحریک شهوت جنسی شود، در دو سوی ارتباط مگر در چارچوب دستورات دین، برانگیخته نشده، و به وجود نیامده باشد». با توجه به این تعریف، مفهوم عفاف در ارتباطات با دو عنصر پیام (کلام و رفتار) و معنا گره خورده و اگر بخواهیم این تعریف را خلاصه‌تر بیان کنیم: حاکمیت عفاف در ارتباطات انسانی سبب عدم ارسال و دریافت پیام شهوت‌انگیز مگر در چارچوب شرع می‌شود.

مجموعه دستورات دین اسلام در مورد عفاف، نظام رابطه عفیفاً را در زندگی انسان به وجود می‌آورد که می‌توانیم با تقسیم‌بندی ارتباطات به ارتباطات کلامی و غیرکلامی به وجوه مختلف عفاف اشاره کنیم:

یک. ارتباطات کلامی: عفاف در سخن و کلام، عدم شوخی و صحبت‌های بی‌جا بین نامحرمان.

دو. ارتباطات غیرکلامی: حجاب زن، پوشش مناسب مرد، کنترل نگاه در برخورد با نامحرم (ارتباط رودررو، عکس، فیلم)، کنترل رفتار در عدم ارسال پیام شهوت‌انگیز در ارتباط با محارم و همجنسان، عدم نازکی صدای زن در ارتباط با نامحرم، راه رفتن زن همراه با وقار و طمأنینه، عدم نمایش زینت زنانه و تبرج در جامعه، عدم تقلید از الگوهای رفتاری جنس مخالف، عدم استفاده از عطر شهوت‌انگیز در برخورد با نامحرم، عدم شنیدن موسیقی‌های شهوت‌انگیز، کسب اجازه در ورود به خلوت دیگری (استیذان)، اجتناب از خلوت با نامحرم، عدم اختلاط نامحرمان در

مکان‌های عمومی، عدم تماس جسمی نامحرمان، رقص همسر برای همسر، ازدواج دائم و موقت.

با توجه به بحث مطرح شده در این مقاله، یک انسان مسلمان در رعایت عفاف باید به سطوح مختلف آن از یک طرف و به ارتباطات کلامی و غیرکلامی از طرف دیگر توجه داشته باشد. و البته باید دانست که ارتباطات درون فردی افراد در رعایت عفاف مقوم حضور بهتر ایشان در سطوح دیگر ارتباطات است. همچنین برنامه‌ریزی و سیاستگذاری با توجه به آموزه عفاف در هر یک از بخش‌های فرهنگی و ارتباطاتی از جمله کتاب، فیلم و سریال، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه و مجله و برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها سبب برقراری فرهنگ اسلامی در زمینه عفاف خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران در پرتو تعالیم اسلامی و پیشرفت‌های علمی مدعی ساخت جامعه‌ای باتقوا و پیشرفته است که از آن با عنوان توسعه اسلامی یاد می‌کنند. از این حیث دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی در جهت نهادینه کردن فرهنگ اسلامی می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها به فرهنگ‌سازی آموزه‌های عمیق دینی با توجه به عملیاتی کردن علمی آن توجه داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رک: راسل، ۱۳۶۲؛ فروید، ۱۳۶۳.
- ۲- که در آیات: (وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ - سوره مبارکه نساء/آیه ۶)، (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا - سوره مبارکه نور/آیه ۳۳) به آن اشاره شده است.

- 3- Desire
- 4- Human dignity

۵- رک: kateb, 2010

۶- رک: محسنیان‌راد، ۱۳۸۲: ۴۲-۵۷

- 7- Symbolic Interaction Theory, Georg Herbert Mead
- 8- The semiotic tradition
- 9- Intrapersonal communication

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیر کلامی ▶ ۱۳۵

- 10- Fantasy
- 11- Interpersonal communication
- 12- Sex
- 13- Gender
- 14- Group communication
- 15- Mass communication

۱۶- البته هر نگاهی که در آن برای بیننده ریبه وجود داشته باشد حرام است

17- Verbal communication

۱۸- إِيَّاكَ وَمَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْسِبُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَيُنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ

۱۹- بنظر می رسد دیدگاه این پژوهشگر انتقال معنی در فرایند ارتباط است، بنابراین مسامحتا معنی را با فراگرد ارتباط و پیام یکی می گیریم.

۲۰- فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.

۲۱- وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ (سوره مبارکه فصلت/ آیه ۵).

۲۲- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

۲۳- وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ.

۲۴- وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ.

۲۵- كل عين زانية و المرأة إذا استعطرت فمرت بالمجلس فهي زانية.

۲۶- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ* وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...

۲۷- ر.ک: Blumer, 1969

28- Self-respect

فهرست منابع و مآخذ:

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

۳- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم.

۱۳۶ ◀ نامه فرهنگ و ارتباطات

- ۴- انگلس، فریدریک (۱۳۸۵)، *خاستگاه خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*، ترجمه خسرو پارسا، تهران: نشر دیگر.
- ۵- برکو، ری ام، آندرو دی. ولوین و دارلین آر. ولوین (۱۳۸۶)، *مدیریت ارتباطات*، ترجمه اعرابی، محمد و ایزدی، داود، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۶- بلیک، رید و اوین هارولدسن (۱۳۷۸)، *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- ۷- پاک‌نژاد، رضا (۱۳۶۱)، *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۸- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج‌الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)*، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
- ۹- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۰- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۱- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ۱۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین و انصاری، مسعود (۱۳۷۶)، *پیام پیامبر*، تهران: منفرد.
- ۱۳- دفلور، ملوین و اورت ای. دنیست (۱۳۸۳)، *شناخت ارتباطات جمعی*، ترجمه: مرادی، سیروس زیر نظر ناصر باهنر. تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- ۱۶- سید رضی، محمد بن حسین بن موسی (۱۴۱۴ق)، *نهج‌البلاغه، تصحیح: صبحی صالح*، قم: مؤسسه هجرت.
- ۱۷- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- ۱۸- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ق)، *جامع الأخبار*، قم: انتشارات رضی.
- ۱۹- شلیت، وندی و لی دموس، نانسی (۱۳۸۸)، *دختران به عفاف روی می‌آورند*، ترجمه سمانه مدنی و پریسا پور علمداری. تهران: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.

عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیر کلامی ▶ ۱۳۷

- ۲۰- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- ۲۱- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الأنوار*، نجف اشرف: کتابخانه حیدریه.
- ۲۲- طریحی فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ۲۳- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ۲۴- فروید، زیگموند (۱۳۶۳)، *روانشناسی*، ترجمه مهدی افشار، تهران: کاویان.
- ۲۵- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۱)، *تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات بر پایه مکتب تولید و مبادله معنا*، تهران: پایان نامه دوره دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۶- فیسک، جان (۱۳۸۶)، *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*، ترجمه مهدی غبرایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۲۷- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۹- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۳۰- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۲)، *ارتباط شناسی*، تهران: سروش، چاپ پنجم.
- ۳۱- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
- ۳۳- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران: صدرا، چاپ هفتم.
- ۳۴- معصومی، مسعود (۱۳۸۶)، *احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان*، قم: بوستان کتاب، چاپ سی هشتم، ویرایش هفتم.
- ۳۵- معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، *اخلاق در قرآن: فروع مسائل اخلاقی*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ سوم.

۱۳۸ ◀ نامه فرهنگ و ارتباطات

- ۳۷- نراقی، احمد (۱۳۷۷)، *معراج السعادة*، تهران: انتشارات دهقان.
- ۳۸- نراقی، محمد مهدی (۱۳۷۷)، *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه: مجتبیوی، سید جلال الدین، تهران: انتشارات حکمت، چاپ چهارم.
- ۳۹- ورام ابن ابی فراس، *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*، قم، مکتبه فقیه.

- 40- West, Richard L. and Lynn H. Turner(2000), *Introducing Communication Theory: Analysis and Application*, New York: McGraw-Hill.
- 41- Craig, Robert T. and Heidi L. Muller(2007), *Theorizing Communication Readings Across Traditions*, Los Angeles: sage publications.
- 42- Kateb, George(2010), *Human Dignity*, harvard university press.
- 43- Blumer, Herbert(1969), *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- 44- Eadie, William F(2009), "Communication as A Field and as A Discipline" in *21st Century Communication A Reference Handbook*, William F, Eadie (Ed), San Diego State University.
- 45- Craig, Rabert T(1999), *Communication Theory as a Field*, Communication theory, nine: two, 119-161.
- 46- Pearce, Kevin J. "Media and Mass Communication Theories". *Encyclopedia of Communication Theory*. 2009. SAGE Publications. 10Apr.2010. <http://www.sage-reference.com/communicationtheory/Article_n231.html>.